



بررسی اصل لذت و اصل واقعیت در قصه‌های پریان عامه‌ی افغانستان و تأثیر خوانش آن بر کودکان

پوهنمل عبدالقادر توران محمودی

دیارتمنت زبان و ادبیات فارسی دری، پوهنځی تعلیم و تربیه، پوهنتون بامیان، بامیان، افغانستان

ایمیل: abdulqadirmahmoodi@gmail.com

چکیده

این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه‌ی تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. هدف آن، تبیین بازنمایی اصول روان‌کاوانه‌ی لذت و واقعیت در قصه‌های پریان عامه‌ی افغانستان و بررسی نقش آن‌ها در رشد روانی، اخلاقی و اجتماعی کودکان است. اهمیت این تحقیق در آن است که قصه‌های عامه را به‌عنوان ابزاری تربیتی و فرهنگی برای انتقال ارزش‌های اخلاقی؛ درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی و آموزش مسایل روانی معرفی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد قهرمانان داستان‌ها با پذیرش سختی‌ها و پیروی از اصل واقعیت، به موفقیت، پاداش و لذت پایدار می‌رسند، در حالی که شخصیت‌های تابع اصل لذت که به دنبال راحتی و لذت‌های زودگذرند، دچار شکست و رنج می‌شوند و مجازات می‌گردند. یافته‌ها بیانگر آن است که این قصه‌ها علاوه بر جنبه‌ی سرگرمی، در پرورش واقع‌نگری، صبر، سازگاری و تقویت هویت فرهنگی کودکان نقش مؤثر دارند و می‌توانند به‌عنوان منبع آموزشی و روان‌شناختی در تربیت کودکان به کار گرفته شوند.

واژه‌های کلیدی: اصل لذت؛ اصل واقعیت؛ افسانه‌های عامه‌ی افغانستان؛ روان‌شناسی؛ کودک

Analysis of the Pleasure and the Reality Principles in Afghan Folk Tales and the Impact of Their Reading on Children

Abdulqadir Turaan Mahmoodi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Education, Bاميان University, Bاميان, Afghanistan

Email: abdulqadirmahmoodi@gmail.com

Abstract

This study employs a descriptive-analytical approach based on qualitative content analysis. Its aim is to explore the representation of the psychoanalytic principles of pleasure and reality in Afghan folk tales and to examine their role in children's psychological, moral, and social development. The significance of this research lies in presenting folk tales as educational and cultural tools that transmit moral values, internalize social norms, and convey psychological insights. The findings show that protagonists who endure hardships and adhere to the reality principle achieve success, reward, and lasting satisfaction, whereas characters driven by the pleasure principle, seeking comfort and immediate gratification, experience failure, suffering, and punishment. The results indicate that these tales, beyond their entertainment function, play a vital role in fostering realism, patience, adaptability, and cultural identity among children. Therefore, they can serve as effective educational and psychological resources in children's upbringing and character formation.

Keywords: Afghan folk tales; Child; Pleasure Principle; Psychology; Reality Principle

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين، نبينا و رسولنا محمد و على آله وصحبه و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين و بعد:

پیشینه‌ی فرهنگی و فولکلور مردم افغانستان نقش مهمی در حفظ و انتقال هویت فرهنگی و حافظه‌ی جمعی آن‌ها ایفا می‌کند. مردم افغانستان از طریق داستان‌ها، حکایات، قصه‌ها و افسانه‌ها، ارزش‌ها و باورهای خود را به نسل‌های آینده منتقل می‌کنند و این‌ها نقش حیاتی در حفظ میراث فرهنگی این مردم دارند.

ادبیات عامه معمولاً از روایات شفاهی تشکیل شده است که به زبان محلی و با استفاده از نمادهای فرهنگی خاص، به شیوه‌ای ساده و قابل فهم، هم در شعر و هم در نثر بیان می‌شود و این ادبیات نه تنها به عنوان وسیله‌ای برای سرگرمی و آموزش، بلکه به عنوان ابزاری برای انتقال ارزش‌های فرهنگی عمل می‌کند. افسانه‌ها یا قصه‌های پریان یکی از غنی‌ترین بخش‌های ادبیات شفاهی افغانستان را تشکیل می‌دهد (محمودی، ۱۳۹۸).

ثبت، نقد و معرفی ادبیات عامه در زمانی که هر روز بیشتر از پیش ابزارهای تکنالوژیکی به جامعه‌ی فرهنگی افغانستان وارد می‌گردد، ضروری می‌نماید. ثبت ادبیات عامه باعث ماندگاری آن‌ها شده و تحلیل انتقادی آن‌ها اهمیت آموزشی و ارزش فرهنگی آن‌ها را نشان می‌دهد. در غیر این صورت ممکن است راویان ادبیات عامه از میان بروند و حیات فرهنگی این ادبیات خاتمه یابد.

این مقاله، به دنبال شناسایی و تحلیل یک مؤلفه‌ی کلیدی روانکاوانه - به‌طور خاص، اصل لذت و اصل واقعیت - در قصه‌های پریان مردم افغانستان و به گونه‌ی موردی، مردم هزاره است. با تکیه بر چارچوب‌های نظری زیگموند فروید و شاگرد او برونو بتلهایم، هدف این مقاله آن است که حضور این مؤلفه را در این قصه‌ها نشان داده و تأثیرات روانی بالقوه‌ی آن‌ها بر کودکان را بررسی کند.

بتلهایم (۱۳۸۶) اصل لذت را به حداقل رساندن ناراحتی و اصل واقعیت را سازگاری با دنیای خارج تعریف می‌کند. از دید وی کودکان در ابتدا به دنبال لذات فوری هستند، اما برای بزرگسالی باید اصل واقعیت را بیاموزند و لذت‌های زودگذر را رها کنند. به باور او قصه‌های پریان نقش مهمی در آموزش و تربیت کودکان داشته‌اند. این تحقیق به بررسی نقش قصه‌های پریان در به تصویر کشیدن تضاد بین این اصول و تأثیر آن بر رشد کودکان می‌پردازد.

نظریه‌ی اصل لذت و اصل واقعیت فروید چارچوبی برای درک رشد روانی انسان فراهم می‌کند. از دید وی کودکان در ابتدا به دنبال ارضای فوری نیازها بر اساس اصل لذت هستند. با بالغ شدن، اصل واقعیت را می‌آموزند و خواسته‌ها را با محدودیت‌های محیطی متعادل می‌کنند؛ انتقالی که برای رشد شخصیت ضروری است (بتلهایم، ۱۳۸۶).

محمودی (۱۴۰۳) بیان می‌کند که قصه‌های پریان از دیرباز نقش مهمی در آموزش و تربیت کودکان داشته‌اند. این قصه‌ها مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و روانی را به شیوه‌ای جذاب منتقل می‌کنند.

اگرچه تحقیقات مشخصی در این زمینه در فولکلور افغانستان انجام نشده است، اما کارهای مشابهی در مورد قصه‌های پریان در جاهای دیگر انجام شده است. فروید (۱۹۲۰)، اصل لذت را در روانکاوی بررسی می‌کند و معتقد است که رویدادهای ذهنی به‌طور خودکار توسط آن تنظیم می‌شوند و برای کاهش تنش و افزایش لذت یا پرهیز از ناراحتی تلاش می‌کنند و آن را به میزان انگیزتگی ذهنی مرتبط می‌سازد. فروید اذعان می‌کند که اصل لذت همیشه غالب نیست و توسط عواملی مانند اصل واقعیت (ناشی از غریزه‌ی صیانت نفس) محدود می‌شود که مستلزم به تأخیر انداختن ارضا برای دستیابی به لذت طولانی‌مدت است.

پس از فروید، بتلهایم (۱۳۸۶)، اصل واقعیت و لذت را در قصه‌های پریان نشان می‌دهد و نقش آموزشی آن‌ها را برای کودکان مفید می‌داند. بتلهایم استدلال می‌کند که قصه‌های پریان به کودکان کمک می‌کنند تا با ترس‌ها، اضطراب‌ها و تضادهای درونی خود در یک چارچوب نمادین و امن از طریق نمادهای خاص و ساختارهای روایی روبه‌رو شوند. این فرآیند به کودکان کمک می‌کند تا از اصل لذت (که در آن کودکان بدون توجه به واقعیت به دنبال خواسته‌های خود هستند) به اصل واقعیت (که در آن کودکان محدودیت‌های واقعیت را می‌پذیرند) حرکت کنند. بتلهایم معتقد است که شخصیت‌های قصه‌های پریان نماد جنبه‌های مختلف شخصیت کودک هستند و پایان خوش بسیاری از قصه‌ها به کودکان اطمینان می‌دهد که می‌توانند بر مشکلات خود غلبه کرده و به آرامش دست یابند.

ژنگ‌شیائو (۲۰۲۳) شخصیت‌های اصلی رمان اسکار وایلد را براساس اصول لذت و واقعیت فروید تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه دوریان گری، بازیل هالوارد و لرد هنری واتون به وضوح ماهیت متناقض انتخاب بین این دو اصل را نشان می‌دهند. دوریان گری تحت تأثیر لرد هنری تسلیم لذت بی‌حد و حصر می‌شود و بازیل هالوارد مجذوب زیبایی او می‌شود، هر دو هنجارهای اجتماعی را نادیده گرفته و به اصل لذت تسلیم می‌شوند. در مقابل، اصل واقعیت به‌عنوان محدودیتی که توسط

هنجارهای اجتماعی تحمیل شده و مانع از استفاده‌ی بی‌قید و شرط آن‌ها از لذت می‌شود؛ در نهایت، اصل لذت بر اصل واقعیت غلبه می‌کند که منجر به نابودی هر سه شخصیت می‌شود.

وارسته‌فر (۱۳۸۷)، از دیدگاه جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که جامعه‌ی بشری، در دوره‌هایی که فاقد فهم مفهوم کودکی بوده، نمی‌توانسته قصه‌ها و داستان‌های خاصی برای کودکان خلق کند. او همچنین اشاره می‌کند که تفاسیر روانکاوانه از کودکی مختص جامعه‌ی مدرن است، در حالی که این قصه‌های پریان در جوامع پیشامدرن شکل گرفته‌اند.

حسینی و عظیمی (۱۳۹۵)، چندین قصه‌ی پریان را تحلیل کرده و نشان می‌دهد که خواندن این قصه‌ها برای کودکان، تخیل و خلاقیت آن‌ها را توسعه می‌دهد. به عبارت دیگر، قصه‌های پریان به کودکان کمک می‌کنند تا تخیل خود را گسترش داده و دنیا‌های جدیدی را تصور کنند. علاوه بر این، بسیاری از قصه‌های پریان حاوی پیام‌های اخلاقی هستند که به کودکان در یادگیری ارزش‌های اجتماعی کمک می‌کنند. گوش دادن به قصه‌های پریان و داستان‌ها همچنین مهارت‌های زبانی و ارتباطی کودکان را تقویت می‌کند. به همین ترتیب، قصه‌های پریان به کودکان کمک می‌کنند تا با فرهنگ و تاریخ خود آشنا شده و هویت ملی و فرهنگی خود را بشناسند. در نهایت، این داستان‌ها می‌توانند به کودکان در درک احساسات دیگران و پرورش همدلی کمک کنند.

میرحیدری (۱۳۹۶)، پس از بررسی قصه‌های پریان ایرانی، نتیجه می‌گیرد که این داستان‌ها ابزار مناسبی برای درمان مشکلات روانی کودکان و شکل‌دهی به شخصیت آن‌ها، پرورش تفکر و ایجاد تعادل روانی هستند.

حیدری (۱۳۹۲)، افسانه‌ای را بر اساس نظریه‌های کارل یونگ تحلیل می‌کند. او پس از تحلیل این قصه نتیجه می‌گیرد که این قصه به‌طور نمادین مسئله‌ی جنسیت را برای کودکان بیان می‌کند و ورود کودکان به دنیای نوجوانی را نشان می‌دهد، زیرا از دیدگاه او، این قصه به مسائلی مانند آنیما (جنبه‌ی زنانگی روان مرد) و آنیموس (جنبه‌ی مردانگی روان زن) می‌پردازد. بنابراین، به‌طور نمادین کودکان را برای ورود به دوره‌ی نوجوانی آماده می‌کند.

تحقیقات پیشین با تکیه بر نظریه‌های فروید، به‌ویژه در کتاب *فراسوی اصل لذت* و *بتلهایم در افسون افسانه‌ها*، مفاهیم «اصل لذت» و «اصل واقعیت» را به‌روشنی شرح داده و نقش آن‌ها را در سامان‌دهی رفتار انسان و آموزش از طریق قصه‌های پریان تبیین کرده‌اند. تحلیل بتلهایم نشان می‌دهد که این قصه‌ها ابزاری برای رشد روانی کودک و رویارویی او با واقعیت‌های زندگی‌اند. با وجود این، اغلب مطالعات

دیدگاهی محدود و غیربومی داشته و به بازتاب این اصول در فرهنگ‌ها و قصه‌های عامه‌ی افغانستان نپرداخته‌اند. ازاین‌رو، مقاله‌ی حاضر می‌کوشد حضور و کارکرد این دو اصل را در ادبیات فولکلور افغانستان بررسی و پیامدهای روانی-اجتماعی آن را برای کودکان تبیین کند.

بنابراین مسئله‌ی اصلی مورد بحث در این مقاله، تأثیر قصه‌های پریان مردم افغانستان با مطالعه‌ی موردی قصه‌های پریان هزاره‌ها- بر رشد شخصیت کودکان و میزان گرایش آن‌ها به پیروی از اصل لذت یا اصل واقعیت بر اساس نظریه‌ی روانکاوی زیگموند فروید و برونو بتلهایم است.

این تحقیق اهداف زیر را دنبال می‌کند؛

- تحلیل بازنمایی اصول لذت و واقعیت در افسانه‌های عامه‌ی مردم افغانستان با مطالعه‌ی موردی قصه‌های پریان هزاره‌ها؛
- بررسی تأثیر این اصول، آن‌گونه که در قصه‌های پریان به تصویر کشیده شده، بر رشد شخصیت کودکان؛
- جستجو در ظرفیت قصه‌های پریان هزاره‌ها به‌عنوان ابزارهای آموزشی برای رشد روانی کودکان.

سوالات تحقیق قرار ذیل است.

- اصول لذت و واقعیت چگونه در شخصیت‌ها، خطوط داستانی و عناصر نمادین قصه‌های پریان هزاره‌ها بازنمایی می‌شوند؟
- تأثیر بالقوه‌ی مواجهه با قصه‌های پریان هزاره‌ها، به‌ویژه تصویرسازی اصول لذت و واقعیت، بر درک کودکان از مراحل رشد روانی و شخصیتی و توانایی آن‌ها برای مقابله با چالش‌های زندگی چیست؟
- قصه‌های پریان هزاره‌ها از چه راه‌هایی می‌توانند به‌عنوان ابزارهای آموزشی برای ترویج رشد روانی، اخلاقی و فرهنگی، هویت و اجتماعی شدن در میان کودکان استفاده شوند؟

روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت، نظری و در زمره‌ی مطالعات مروری - تفسیری است که با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. هدف آن بررسی و تبیین دو اصل روان‌کاوانه‌ی «لذت» و «واقعیت» در فولکلور مردم افغانستان، به‌ویژه در قصه‌های پریان هزاره‌ها است. چارچوب نظری آن بر مبنای دیدگاه

فروید در *فراسوی اصل لذت* (۱۹۲۰) و تفاسیر برونو بتلهایم در *افسون/افسانه‌ها* (۱۳۸۶) شکل گرفته و از تحلیل محتوای کیفی برای تفسیر دیتاهای فرهنگی در پرتو مفاهیم روان‌کاوانه استفاده شده است. جامعه‌ی آماری شامل مجموعه‌ای از قصه‌های پریان شفاهی و مکتوب مناطق مرکزی افغانستان است که در منابع معتبر فرهنگی، از جمله آثار خاوری (۱۳۹۵)، محمدی (۱۳۹۷)، واحدی (۱۳۸۹) و پایان‌نامه‌ی محمودی (۱۳۹۸) گردآوری شده‌اند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و بر اساس قابلیت قصه‌ها برای تحلیل مفاهیم روان‌کاوانه انجام شده است. معیار انتخاب شامل؛ وجود تعارض درونی میان لذت و واقعیت در قهرمان یا ضدقهرمان؛ حضور عناصر نمادین و کهن‌الگویی بازتاب‌دهنده‌ی نهاد، من و فرمان؛ ساختار روایی کامل و آموزش اخلاقی غیرمستقیم؛ ثبت و اصالت فرهنگی در منابع قابل استناد.

بر این اساس، هشت قصه از جمله *جوسر پهلوان*، *ماه‌پیشانی*، *کل‌بچه*، *رفیق نااهل*، *درخت چهل‌گیاه*، *بچه‌ی پادشاه و شاه‌پریان*، *گل قاقا* و *خاله قنغوزک* از نویسندگان فوق انتخاب شدند. دیتاها از منابع کتابخانه‌ای و اسناد علمی استخراج و با روش تحلیل مضمونی در چند مرحله بررسی شدند؛ خلاصه‌سازی و تعیین ساختار روایی قصه‌ها؛ کدگذاری مفهومی و نمادشناسی عناصر مهم روایت؛ تطبیق مفاهیم با نظریه‌ی فروید و بتلهایم؛ مقایسه‌ی تطبیقی نتایج برای شناسایی الگوهای فرهنگی-آموزشی مشترک.

به منظور افزایش اعتبار و صحت تحلیل‌ها، دیتاها از منابع مختلف فرهنگی و مطالعات مشابه در دیگر فرهنگ‌ها (مانند وارسته‌فر، ۱۳۸۷؛ میرحیدری، ۱۳۹۶؛ و وانگ، ۲۰۲۳) مورد تطبیق و مقایسه قرار گرفتند. با توجه به ماهیت شفاهی قصه‌ها و کمبود منابع روان‌کاوانه‌ی بومی، نتایج تحقیق کارکرد نظری و تفسیری دارد و زمینه‌ساز مطالعات میدانی آینده خواهد بود.

یافته‌ها

کودکان و قصه‌های پریان

علی‌زاده، کردنوقابی و نظری (۱۳۹۳) بیان می‌کنند که قصه‌گویی تاریخی به درازای تاریخ بشر دارد و به عنوان ابزاری ارزشمند در اصلاح رفتار در نظر گرفته شده است. افلاطون بخشی از کتاب *جمهوریت* خود را به اهمیت داستان‌ها اختصاص داد و فروبل، بنیان‌گذار اولین کودکستان، اساس آموزش کودک را بر قصه‌گویی بنا نهاد.

به همین ترتیب، زیگموند فروید، یکی از بنیان‌گذاران روانکاوی، «قصه‌ها را شکل ساده و کاهیده‌ی اساطیر می‌دانست و معتقد بود که اساطیر بازمانده و تغییر شکل‌یافته‌ی توهمات و آرزوهای ملت‌ها و اقوام بوده و در حکم رؤیاهای متمادی دوران اولیه‌ی بشر است» (عندلیب، ۱۳۷۳، ص ۶۵).

به گفته‌ی یوسفی‌لویه، متین و لویه (۱۳۸۷)، قصه‌های پریان به افراد کمک می‌کنند تا خود را بهتر بشناسند، ایده‌ها و انگیزه‌هایی در خواننده و شنونده ایجاد می‌کنند، به بازسازی «من» کمک کرده و ترس‌ها را حساسیت‌زدایی می‌کنند.

قصه‌های پریان «مناسب‌ترین وسیله برای انتقال حافظه‌ی قومی به کودکان محسوب می‌شد. کودکان همان‌طوری که امروزه از آموزش مستقیم بیزار هستند، قطعاً در گذشته نیز چنین بوده‌اند. افسانه‌ها حافظه‌ی قومی را از راه غیرمستقیم به کودکان آموزش می‌دادند» (رجبی‌همدانی، بیگ‌زاده و ناجی، ۱۳۹۶، ص ۶۴).

یکی از ویژگی‌های قصه‌های پریان، سرگرم‌کننده بودن آن‌هاست. نظریه‌پردازان حوزه‌ی روان‌شناسی کودک نیز معتقدند که «بهترین کیفیت در قصه‌ی کودکان، لذت‌بخش بودن آن است و به همین دلیل تمام کسانی که به نحوی با کتاب کودک سروکار دارند باید متوجه باشند که کتاب قبل از آموزنده بودن؛ سرگرم‌کننده باشد» (یاسمی‌فر و خسروی شکیب، ۱۴۰۰، ص ۱۹۸).

یکی از کارکردهای قصه‌های پریان برای کودکانی که به نوجوانی نزدیک می‌شوند؛ می‌تواند تشویق کردن آن‌ها به تفکر منطقی باشد. نجات، رازقی و آشوری (۱۳۹۹) بیان می‌کنند که یک برنامه‌ی آموزشی به نام فلسفه برای کودکان توسط متیو لیپمن پیشنهاد شد. لیپمن معتقد بود که قدرت استدلال و قدرت تشخیص قضاوت باید در دوران کودکی، زمانی که کودک بین ۱۱-۱۲ سال دارد، آموزش داده شود. در این راستا، از لیپمن (۱۹۲۳-۲۰۱۰) کسی که برنامه‌ی فلسفه برای کودکان را معرفی کرد) نقل شده است که تحلیل افکار و اطلاعات را می‌توان از کودکی به کودکان آموخت و آن‌ها را به‌عنوان متفکران اندیشمند و منتقد تربیت کرد. یعنی صرفاً انتقال اطلاعات به کودکان کافی نیست؛ بلکه باید تفکر و استدلال را نیز بیاموزند. بنابراین، از دیدگاه لیپمن، «بهترین زمان برای شکل‌گیری تفکر در کودکی و از طریق روش‌های تأمل‌محور است» (شوشتری، صفایی‌مقدم و مرعشی، ۱۳۹۲، ص ۵). در این برنامه‌ها، تحلیل مسائل از طریق داستان‌ها به کودک ارائه می‌شود. قصه‌های پریان تمام ویژگی‌های داستان‌هایی را که در این برنامه ارائه می‌شوند، دارا هستند.

یکی از ویژگی‌های قصه‌های پریان مورد بحث، جان‌بخشی به پدیده‌های بی‌جان و انسان‌وارگی حیوانات و گیاهان است. توران محمودی (۲۰۲۲) بیان می‌کند که جاندارپنداری موجودات بی‌جان تاریخی به قدمت تاریخ فرهنگ بشری دارد و انسان اولیه تمام موجودات اطراف خود را دارای روح می‌دانست و به زنده بودن آن‌ها اعتقاد داشت. در قصه‌های پریان، سنگ، چوب، شمشیر، خاک و صخره نیز زنده هستند و اسب‌ها، سگ‌ها، دیوها، اژدهاها، شیرها... مانند انسان‌ها فکر می‌کنند و حرف می‌زنند. این امر نیز با ذهن کودک سازگار است؛ زیرا «جاندارپنداری از ویژگی‌های مهم ذهن کودک است که بر این اساس به ویژه در سنین کمتر از هفت سالگی به جاندار انگاشتن موجودات بی‌جان و انسان‌گونه‌گی جانداران گرایش دارند. چنان‌که کودکان در این سن ساعت‌ها با عروسک خود سخن می‌گویند و به جای او به خویش پاسخ می‌دهد. بنابراین متنی که چنین کند از این طریق می‌خواهد یا می‌تواند کودک را به درون خود متن کشیده و او را به نویسنده‌ی مستتر خویش هم‌گام سازد» (رجبی‌همدانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۸).

یکی دیگر از کارکردهای مهم خواندن قصه‌های پریان برای کودکان این است که منجر به رشد ذهن و رشد شناختی آن‌ها می‌شود. قصه‌های پریان از طریق زبان و با کلمات برای کودکان خوانده می‌شوند. بنابراین، دایره‌ی واژگان و در نتیجه رشد شناختی آن‌ها را افزایش می‌دهد. به گفته‌ی ویگوتسکی (۱۸۹۶-۱۹۳۴) بنیانگذار نظریه‌ی یادگیری اجتماعی-فرهنگی)، «کلمات برای این استفاده می‌شوند که تکیه‌گاهی برای رشد شناخت بسازند. همان‌طور که یک بنا نمی‌تواند خانه‌ی بدون داربست بسازد (باوجود این‌که بعد از ساخته شدن خانه دیگر داربست مشخص نیست) ذهن کودک نیز با وجود این‌که کلمات هنگامی که در ارتباطات عصبی ایجاد می‌شوند مشهود نیستند، نمی‌تواند بدون زبان توسعه یابد. صحبت کردن، گوش دادن و نوشتن همگی ابزارهای رشد فکر هستند» (برگر، ۱۳۹۶، صص ۳۰۲، ۳۰۳).

یکی دیگر از کارکردهای روان‌شناختی قصه‌های پریان، آموزش خوش‌بینی به کودکان است. بیشتر قصه‌های پریانی که در این مقاله بررسی شده است، پایان خوشی دارند و قهرمان در آخر پیروز می‌شود. خوش‌بینی را می‌توان به کودکان آموخت یا آن را بخشی از ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها کرد. «دو عامل پیش‌بینی‌پذیری و کنترل‌پذیری حوادث و رخدادها، مفاهیمی هستند که باید در مدارس به کودکان آموخته شود. تا یاد بگیرند مشکلات را حل ناشدنی نپندارند [...] مبنای مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی در نحوه‌ی تفکر افراد درباره‌ی علت‌ها می‌باشد که به آن سبک تبیین گفته می‌شود. سبک تبیین در هر فرد، در دوره‌ی کودکی شکل می‌گیرد. در صورتی که از خارج، دخالتی در آن اعمال نشود تا آخر عمر پا برجا می‌ماند» (نیک‌منش و کاظمی، ۱۳۸۷، ص ۶). بنابراین، اگر کودکان گاهی قصه‌های پریانی را

بشنوند که پایان خوشی دارند، کودک نسبت به زندگی و آینده خوش‌بین و مثبت‌نگر بزرگ خواهد شد.

خلاصه‌ی قصه‌ها

در قصه‌ی پریان جوسرپهلوان، به روایت محمودی (۱۳۹۸)، قهرمان خانه را ترک کرده و به سرزمین‌های ناشناخته می‌رود. در طول سفر، سختی‌های زیادی را تحمل می‌کند، با اردهاها و دوستان بی‌وفا می‌جنگد. در نهایت، با یک پری ازدواج کرده و پادشاه کشورش می‌شود. افسانه‌ی ماه‌پیشانی، به روایت خاوری (۱۳۹۵)، قهرمانی دارد که با نامادری و خواهران ناتنی‌اش زندگی می‌کند. هر دوی آن‌ها به ماه‌پیشانی حسادت کرده و او را سرکوب می‌کنند. با این حال، قهرمان همیشه به دنبال راه‌حل است و سخت کار می‌کند. در پایان، همسر شاهزاده شده و به زندگی راحتی دست می‌یابد. افسانه‌ی کل‌بچه، به روایت محمودی (۱۳۹۸)، نیز قهرمان را به‌عنوان پسر زشت خانواده معرفی می‌کند که توسط پدرش طرد شده است. اما او به دلیل این طرد شدن، از تلاش دست نمی‌کشد، به سفری خطرناک می‌رود و با دیوها می‌جنگد. سرانجام، پس از شکست دادن قهرمانان دروغین، به‌عنوان پادشاه آینده انتخاب شده و با شاه پریان ازدواج می‌کند.

در افسانه‌ی رفیق نااهل، به روایت خاوری (۱۳۹۵)، داستان حول محور زندگی یک شتر و یک الاغ می‌چرخد که زندگی‌شان زیر بارهای سنگین، تلخ و تاریک شده است. یک روز، تصمیم می‌گیرند از دست صاحب‌شان فرار کنند. پس از فرار و به‌دست آوردن آزادی، مرتعی پیدا کرده و آن را به‌عنوان خانه‌ی خود انتخاب می‌کنند. پس از اینکه خوب چاق می‌شوند، خر هوس عرعر کردن می‌کند. هر چه شتر تلاش می‌کند مانع این کار او شود، خر کوتاه نمی‌آید و عرعر می‌کند. کاروانی که از آن‌جا می‌گذشتند، صدای آن‌ها را می‌شنوند، اهل کاروان دوباره آن‌ها را دستگیر کرده و دوباره بر آن‌ها بار می‌گذارند.

افسانه‌ی خاله قنغوزک، که در محمدی (۱۳۹۷) روایت شده، زندگی زنی را بیان می‌کند که به دنبال شوهر است. تمام تلاش او این است که با کسی ازدواج کند که زندگی با آن از همه آسان‌تر و بدون سختی باشد و تمام راحتی‌ها را برای او فراهم کند، اما در نهایت، همین امر زندگی او را تباه می‌کند.

در افسانه‌ی درخت چهل‌گیاه، که در محمدی (۱۳۹۷) روایت شده، پادشاهی سه پسر دارد و دو پسر کوچکتر خود را بر پسر بزرگتر ترجیح می‌دهد. وقتی پادشاه نابینا می‌شود، پسرانش را می‌فرستد تا از یک پری سبز در سرزمینی دور و ناشناخته درمانی بیاورند. دو پسر کوچکتر مسیری طولانی؛ اما آسان

را در پیش می‌گیرند. پسر بزرگتر مسیری کوتاه؛ اما خطرناک را انتخاب می‌کند. در پایان، قهرمان داستان پس از تحمل سختی‌ها و کار سخت، پیروز می‌شود و دو پسر دیگر پادشاه به هدف خود نمی‌رسند. افسانه‌ی پادشاه و شاه پریان، که در خاوری (۱۳۹۵) روایت شده، داستان زندگی سه برادر را روایت می‌کند که برای به‌دست آوردن درمانی برای چشمان پدرشان به سفر می‌روند. آن‌ها به یک دوراهی می‌رسند، یکی خطرناک و دیگری امن. برادران بزرگتر که در ناز و نعمت بزرگ شده و خوب تغذیه شده‌اند، مسیر امن را انتخاب می‌کنند. برادر کوچکتر، لاغر و نحیف، مسیر خطرناک را انتخاب می‌کند. در نهایت، برادر نحیف؛ اما سخت‌کوش به هدف خود می‌رسد، در حالی که دو برادر دیگر شکست می‌خورند. در پایان، پاداش اصلی-عزیز شدن نزد پدر، جانشین برای پدر و ازدواج با شاه پریان-به همین برادر سخت‌کوش می‌رسد.

قهرمان افسانه‌ی گل قاقا، به روایت واحدی (۱۳۸۹)، داستان چهار برادر را روایت می‌کند؛ سه نفر برادر تنی هستند که از تجملات زندگی لذت می‌برند و یکی فقیر و بدقیافه و نابرداری است که هیچ نعمتی به او نمی‌رسد. یک روز، پدرشان بیمار می‌شود و آن‌ها برای یافتن درمان به سفری طولانی می‌روند. در طول راه، به یک دوراهی می‌رسند. سه برادر تنی که پادشاه به آن‌ها امید بسته است، مسیر امن و آسان را به سوی هدف‌شان انتخاب می‌کنند. برادر کوچکتر که همیشه به خاطر ظاهرش مسخره می‌شد، مسیر کوتاه؛ اما خطرناک را در پیش می‌گیرد. سه برادر تنی به شهری می‌رسند و اسیر لذات خود شده و به هدف خود نمی‌رسند، در حالی که برادر کوچکتر موفق شده و درمان چشمان پدرش را به دست می‌آورد.

مواجه کردن کودکان با واقعیت‌های زندگی

زندگی در دنیای واقعی همیشه گل و گلزار نیست. زندگی واقعی نه تنها شامل راحتی، امنیت، عشق و مهربانی است، بلکه شامل درد، نفرت، سختی، ناامنی و فقر نیز می‌شود. نشان دادن تنها یک جنبه یا چهره از زندگی به کودکان، سبب می‌شود آن‌ها در برابر پیچیدگی‌های زندگی آسیب‌پذیر و ناتوان شوند. قصه‌های پریان با به تصویر کشیدن سختی‌ها در داستان‌های قهرمانان خود، به مخاطبان نشان می‌دهند که آن‌ها نیز باید با چالش‌های زندگی روبه‌رو شوند. با مقاومت در برابر لذت‌های زودگذر و پرهیز از جستجوی مداوم امنیت، افراد می‌توانند بر موانع غلبه کنند. علاوه بر این، با تکیه بر توانایی‌ها و نقاط قوت درونی خود، هیچ مانعی غیرقابل عبور نیست. این قصه‌ها بیان می‌کنند که اگر کسی در برابر سختی‌های زندگی مقاومت کند و راحتی‌های ناپایدار را در اولویت قرار ندهد، این سختی‌ها دائمی

نیستند. در عوض، اعتماد به نفس به فرد کمک می‌کند تا بر آن‌ها غلبه کرده و امنیت و راحتی پایداری به دست آورد.

زندگی در دنیای واقعی می‌تواند خشن، بی‌رحم و پر از شکست باشد. یکی از تیم‌های تکرارشونده در این قصه‌ها، به تصویر کشیدن جنبه‌های دشوار زندگی است که قهرمان با آن‌ها روبه‌رو شده و برای به‌دست آوردن راحتی و لذت پایدار، بر آن‌ها غلبه می‌کند. تضادها و تنش‌های بین شخصیت‌ها یا بین نیروهای خوب و بد، کودکان را با واقعیت‌های زندگی آشنا می‌کند. بزرگ کردن کودک در یک محیط مصنوعی-شبهه به شخصیت‌های نازدانه در این قصه‌ها-که در آن هیچ تضادی وجود ندارد، مضر است. این امر غیرممکن است که بتوان کودکان را یک عمر در پناهگاه امن نگه داشت. کودکانی که در چنین شرایطی بزرگ می‌شوند، هنگام مواجهه با واقعیت‌های زندگی و چالش‌های آن، درهم می‌شکنند؛ شبهه به کودکان لذت‌جو در این قصه‌ها که در مسیر فردیت و استقلال فردی شکست می‌خورند. بنابراین، ارائه‌ی این تضادها در این افسانه‌ها، کودکان را تشویق می‌کند تا از اصل واقعیت پیروی کرده و آن‌ها را برای چالش‌ها و تضادهای موجود در هر خانه و جامعه‌ای آماده می‌کند.

حسینی و شکیبی ممتاز (۱۳۹۶) از فروید نقل می‌کنند که کودکان خردسال ناخودآگاه عمل کرده و تحت تأثیر اصل لذت، کورکورانه به دنبال ارضای نیازهای خود هستند. نهاد (نخستین بخش از ساختار شخصیت از دید فروید) که از بدو تولد وجود دارد، منبع انرژی روانی است. این بخش کاملاً ناخودآگاه روان به دنبال لذت بی‌قید و شرط (اصل لذت) است. اگر این لذت مستقیماً قابل دستیابی نباشد، کودک از فرآیندهای فکری اولیه برای دستیابی به آن از طریق خیال‌پردازی، رؤیاها و داستان‌ها استفاده می‌کند. با این حال، فروید معتقد بود که با رشد کودکان، آن‌ها با واقعیت روبه‌رو شده و به اصل واقعیت پایبند می‌شوند. این امر به وضوح در قصه‌های پریان تحلیل شده در این مقاله مشهود است. شخصیت‌هایی که به دنبال لذت‌های زودگذر هستند، دچار بدبختی می‌شوند و پایان بدی در انتظار آنان است. داستان‌ها به‌طور ضمنی نشان می‌دهند که این شخصیت‌ها هنوز به طور کامل رشد نکرده‌اند و بنابراین به دنبال ارضای نیازهای بی‌قید و شرط «نهاد» خود هستند. در مقابل، قهرمانانی که از اصل واقعیت پیروی می‌کنند، نیازهای معقول «نهاد» خود را با پایبندی به شرایط محیطی و واقعیت برآورده می‌کنند. آن‌ها نماد کسانی هستند که به اندازه‌ی کافی بالغ شده و شایسته‌ی فردیت و استقلال هستند. این قصه‌های پریان فضایی را برای کودکان فراهم می‌کنند تا در تخیلات خود سیر کرده و نیازهای «نهاد» خود را برآورده کنند، در حالی که به آن‌ها می‌آموزند که اصل لذت نباید بر رفتار آن‌ها در دنیای واقعی حاکم باشد.

سخت‌کوشی در برابر تنبلی

شخصیت‌هایی که به اصل واقعیت پایبند هستند، در نهایت پاداش می‌گیرند، در حالی که شخصیت‌هایی که به اصل لذت پایبندند مجازات می‌شوند. جوسر پهلوان، قهرمان قصه اول، به‌طور مداوم از تنبلی و لذت‌های زودگذر به سمت مواجهه با سختی‌ها و واقعیت‌های زندگی حرکت می‌کند. او امنیت خود را به خطر انداخته و آغوش امن مادرش را که نماد کودکی است، ترک می‌کند. همه دوستانش از ورود به چاه می‌ترسند، اما او خطر را پذیرفته و وارد چاه می‌شود. اگرچه در ابتدا با سختی‌های ترسناکی روبه‌رو می‌شود، اما در نهایت برای شجاعتش پاداش می‌گیرد. یکی از مضمون‌های کلیدی این افسانه‌ها، رویارویی قهرمان با چالش‌های متعدد است. به تصویر کشیدن این سختی‌ها، به‌ویژه برای قهرمان، به کودکان کمک می‌کند تا بفهمند که در برابر سختی‌ها تنها نیستند؛ دیگران نیز با چالش‌های مشابهی روبه‌رو هستند.

در افسانه‌ی ماه‌پیشانی نیز تضادی بین لذت‌های زودگذر و تنبلی در برابر واقعیت‌های زندگی وجود دارد. با گوش دادن به این افسانه، کودکان می‌توانند با ماه‌پیشانی همذات‌پنداری کرده و یاد بگیرند که از لذت‌های ناپایدار و تنبلی پرهیز کنند. خواهراندر ماه‌پیشانی نماد کسی است که غرق در لذت است؛ او در خانه می‌ماند، لباس‌های زیبا می‌پوشد و بدون تلاش از زندگی مجلل لذت می‌برد. او در برابر چالش‌ها، غیرمسئولانه عمل می‌کند. این امر به‌طور نمادین در وقایع داخل غار به تصویر کشیده شده است. وقتی خواهراندر قهرمان وارد غار می‌شود، با آزمون پیرزن روبه‌رو می‌شود. پیش از تمام کردن کار، شروع به خوردن می‌کند-نمادی از لذت- و بنابراین عواقب بدی را متحمل می‌شود، مجازاتی متناسب با اعمال و تنبلی‌اش. برعکس، ماه‌پیشانی نماد سخت‌کوشی و پرهیز از تنبلی است. در آزمون خود، او با دقت کار می‌کند و قبل از دریافت پاداشش تلاش می‌کند. در پایان، پاداش تلاش‌های او ماهی است که بر پیشانی‌اش می‌درخشد و به‌عنوان همسر شاهزاده انتخاب می‌گردد.

بتلهایم (۱۳۸۶) بیان می‌کند که قصه‌های پریان به کودکان انتخابی بین اصل لذت و اصل واقعیت ارائه می‌دهند و آن‌ها را مجبور به تصمیم‌گیری می‌کنند. این قصه‌ها به کودکان می‌آموزند که از لذت‌های زودگذر، تنبلی و راه‌های آسان پرهیز کنند، زیرا این‌ها می‌توانند به نابودی منجر شوند. در عوض، آن‌ها باید از اصل واقعیت پیروی کنند، حتی اگر به معنای مواجهه با سختی کوتاه‌مدت باشد. قصه‌ی مورچه و ملخ یک مثال خوب در این زمینه است؛ ملخ تمام بهار را آواز می‌خواند در حالی که مورچه غذا جمع می‌کرد، اما در زمستان، ملخ به کمک مورچه نیازمند شد. کودکان با شنیدن این افسانه‌ها با

حیوانات یا شخصیت‌های این داستان‌ها همذات‌پنداری می‌کنند و از قدرت خود برای غلبه بر چالش‌ها و آزمون‌ها استفاده می‌کنند.

در تمام قصه‌های پریان مورد بررسی این مقاله، مضمون تنبلی در برابر سخت‌کوشی ارائه شده و قهرمان به‌طور مداوم کوشش را بر تنبلی ترجیح می‌دهد. برای مثال، در قصه‌های اول، دوم، سوم، پنجم، هفتم و هشتم، وقتی قهرمان به نقطه‌ای می‌رسد که باید یکی از راه‌های سخت یا آسان را انتخاب کند، برخلاف ضد قهرمان، مسیری را انتخاب می‌کند که به هدف منجر می‌شود، حتی اگر در طول راه با مشکلاتی روبه‌رو شود. بنابراین، داستان به‌طور نمادین بیان می‌کند که کار سخت کنونی، اگرچه لذتی ندارد، اما نتایج آن لذت‌های پایدار هستند؛ برعکس، انتخاب راه‌های ساده و آسان توسط ضد قهرمان، اگرچه در کوتاه‌مدت خوب به نظر می‌رسد، اما نتیجه‌ی خوبی در پی ندارد.

به گفته‌ی بتلهایم (۱۳۸۶)، تضاد بین اصل لذت و اصل واقعیت، نمایانگر مبارزه بین امیال فرد و رفتار مناسب است. در تمام قصه‌های تحلیل شده، قهرمانان نماد جنبه‌های مثبت انسانیت هستند، در حالی که ضدقهرمانان جنبه‌های منفی را نمایندگی می‌کنند. ضدقهرمانان، به جز در قصه‌ی خاله قغوزک، در تمام قصه‌ها نماد «نهاد» و جنبه‌های منفی فرد هستند که به دنبال ارضای امیال فوری-لذت‌های آنی و بی‌قید و شرط-هستند. در مقابل، قهرمان داستان نماینده‌ی رفتار مناسب و «من» است. بنابراین، در بیشتر قصه‌های ذکر شده، ضدقهرمان هشدارهای پیرمرد دانا به گونه‌ی نمادین «فرمان» را نادیده گرفته و از اصل لذت پیروی می‌کند. آن‌ها نمی‌توانند این واقعیت را بپذیرند که دستیابی به لذت‌های پایدار و برآوردن نیازها مستلزم سختی‌ها و مشقت‌هاست. همان‌طور که ذکر شد، قهرمان قصه واقعیت‌های خشن زندگی را می‌پذیرد، با سخت‌کوشی بر آن‌ها غلبه کرده و به لذت‌های پایدار دست می‌یابد. با گوش دادن به چنین داستان‌هایی، کودکان سعی می‌کنند از رفتار قهرمانان تقلید کرده و به تدریج اصل واقعیت را درونی کنند و به عنوان سبک تبیین آن‌ها درآید.

توماس (۱۳۹۷) بیان می‌کند که از دید فروید، «من» بخشی از «نهاد» است که با درک و رعایت قوانین دنیای خارج، نیازهای «نهاد» را برآورده می‌کند. «نهاد» به هر وسیله‌ای به دنبال لذت است که آن را در تضاد با دنیای واقعی قرار می‌دهد. دنیای خارج برای برآوردن امیال «نهاد» شرایط و هزینه‌هایی را تحمیل می‌کند. اینجاست که «خود/من» وارد عمل شده و با درک واقعیت، نیازهای «نهاد» را برآورده می‌کند.

در تمام قصه‌های مذکور، قهرمانان داستان به گونه‌ی نمادین شکل بیرونی شده‌ی «من» و ضدقهرمانان تجسم «نهاد» هستند. برای مثال، در قصه‌های کل‌بچه، رفیق نااهل، درخت چهل‌گیا، گل قاقا، بچه‌ی

پادشاه و شاه پریان، ضدقهرمانان یا قمار می‌کنند، یا فریب زنی را می‌خورند، یا لذت‌های آنی را برای زندگی خود کافی می‌دانند. بنابراین، تمام داستان‌ها به‌طور نمادین نشان می‌دهد که آن‌ها به اصل لذت و امیال «نهاد» پایبند هستند. فریب خوردن توسط پیرزن، قمار کردن، باختن و اسیر شدن همگی نشان‌دهنده‌ی بازگشت به حالتی بدوی‌تر و کودکانه است. بنابراین، «من» که قهرمان است، قدم پیش گذاشته و خرابی‌ای را که رخ داده جبران می‌کند. در داستان رفیق نااهل، عرعر کردن خر-که آن را لذت‌بخش توصیف می‌کند-نماد ترجیح لذت‌های آنی و زودگذر بر نیازها و لذت‌های پایدار-مرتفع و آزادی-است. با عرعر کردن، خر آزادی‌ای را که با سختی زیاد به دست آورده بود از دست می‌دهد و دوباره به بردگی کشیده می‌شود. در قصه‌ی خاله قنغوزک، قهرمان نیز از امیال «نهاد» خود پیروی کرده و براساس اصل لذت عمل می‌کند. او به دنبال شوهری است که هیچ مشکلی ایجاد نکند و تمام راحتی‌های او را فراهم کند. در این داستان، خاله قنغوزک آسان‌ترین گزینه را برای همسری انتخاب می‌کند-یک موش. این جستجوی مداوم برای راحتی و آسایش می‌تواند نمادی از پیروی از اصل لذت باشد، زیرا در این نوع زندگی، فرد همیشه راحتی و آسایش را بر سختی، تلاش و چیزهایی که به سختی به دست می‌آیند ترجیح می‌دهد. سرنوشت نهایی چنین افرادی مانند خاله قنغوزک است؛ در روز بد، هیچ‌کس به آن‌ها کمک نخواهد کرد و خودشان نمی‌توانند بر مشکلات‌شان غلبه کنند.

در افسانه‌ی درخت چهل‌گیا، داستان نشان می‌دهد که دو پسر کوچک‌تر که در ناز و نعمت بزرگ شده و همه چیز دارند، نازدانه و تنبل هستند. در نتیجه، این دو نماد کسانی هستند که از اصل لذت پیروی می‌کنند. پسر بزرگ‌تر که خودساخته و سخت‌کوش است، نماد کسانی است که از اصل واقعیت پیروی می‌کنند. پسران کوچک‌تر که نماینده‌ی زیاده‌روی و آسایش هستند، به شهری می‌رسند، تمام دارایی خود را از دست می‌دهند، به دزدی متوسل می‌شوند، دستگیر شده و برده می‌شوند. پسر بزرگ‌تر بر سختی‌های زیادی غلبه کرده و به هدف خود می‌رسد. در پایان، پاداش نهایی و نیازهای پایدار به پسر بزرگ‌تر اعطا می‌شود.

شایان ذکر است که قصه‌هایی مشابه قصه‌های تحلیل شده در سراسر جهان و در فرهنگ‌های مختلف رایج هستند. این داستان‌ها به‌طور مداوم نشان می‌دهند که چگونه پایبندی به اصل لذت مانع از دستیابی قهرمان به اهدافش می‌شود، در حالی که پذیرش اصل واقعیت به پاداش‌های پایدار منجر می‌شود. نمونه‌های جهانی شناخته‌شده شامل داستان‌های مورچه و ملخ، سنگ‌پشت و خرگوش، گلدیلاکس و سه خرس، سیندرلا و شئل قرمزی است.

مواجه کردن کودکان با چالش‌های زندگی

یافته‌ها نشان می‌دهد که تأکید بر واقعیت‌های زندگی یکی از ویژگی‌های اساسی این افسانه‌هاست که به وضوح به واقعیت‌های زندگی و چالش‌های آن اشاره می‌کند. این امر اصل واقعیت را تقویت کرده و به کودکان می‌آموزد که باید به جای فرار از مشکلات، با آن‌ها روبه‌رو شوند. به همین ترتیب، این قصه‌های پریان بر رشد شخصیت‌های قوی تأکید دارند. شخصیت‌های داستان‌ها طوری طراحی شده‌اند که با چالش‌ها روبه‌رو شده و از آن‌ها یاد بگیرند. این امر به کودکان کمک می‌کند تا بفهمند که شجاعت و پشتکار در برابر مشکلات ضروری است. علاوه بر این، انتخاب‌های اخلاقی که در این قصه‌های پریان به تصویر کشیده شده، به کودکان در تشخیص درست از نادرست کمک می‌کند. این امر درک اخلاقی و اجتماعی آن‌ها را افزایش می‌دهد. در نهایت، این قصه‌های پریان ارتباط بین تخیل و واقعیت را نشان داده و نشان می‌دهند که چگونه داستان‌ها می‌توانند به کودکان در درک واقعیت‌های زندگی کمک کنند. این امر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا مهارت‌های لازم برای مواجهه با موقعیت‌های واقعی زندگی را در دنیای خیالی خود توسعه دهند.

همچنین باید توجه داشت که یک دیدگاه انتقادی می‌تواند کاستی‌هایی را در این قصه‌ها آشکار کند، مانند ساده‌سازی بیش از حد مسائل. برخی داستان‌ها ممکن است واقعیت‌های پیچیده زندگی را ساده کنند که ممکن است به اندازه‌ی کافی به کودکان نحوه‌ی مقابله با چالش‌های واقعی زندگی را نیاموزد. مهم است به یاد داشته باشیم که کودکان نمی‌توانند مانند بزرگسالان در مورد مسائل به‌طور منطقی فکر کنند. نگرانی دیگر، عدم تنوع در میان شخصیت‌هاست. اغلب، شخصیت‌های داستان‌ها به دسته‌های خوب و بد تقسیم می‌شوند که ممکن است به کودکان منتقل نکند که افراد در دنیای واقعی پیچیده‌تر هستند. مسئله‌ی سوم می‌تواند عدم توجه کافی به پیامدهای انتخاب‌ها باشد. در برخی موارد، داستان‌ها ممکن است به اندازه‌ی کافی به پیامدهای تصمیمات شخصیت‌ها نپردازند که می‌تواند منجر به درک نادرست از تأثیرات رفتارها و انتخاب‌ها در زندگی واقعی شود. در نهایت، ممکن است تمرکز کافی بر تجربیات منفی وجود نداشته باشد. در حالی که داستان‌ها عموماً بر چالش‌ها و مشکلات تأکید دارند، ممکن است به اندازه‌ی کافی به تجربیات منفی و پیامدهای آن‌ها توجه نکنند. این امر می‌تواند باعث شود کودکان هنگام مواجهه با شکست‌ها و مشکلات، احساس انزوا کنند.

به‌طور کلی، تحلیل قصه‌های پریان عامه‌ی مردم افغانستان می‌تواند به طور مؤثر به درک اصول لذت و واقعیت کمک کند. با این حال، برای بهبود این تحلیل، نیاز به توجه بیشتر به پیچیدگی‌های اجتماعی،

تنوع فرهنگی و پیامدهای منفی این افسانه‌ها وجود دارد. در نهایت، این تحلیل‌ها باید به گونه‌ای انجام شوند که از رشد روانی کودکان حمایت کرده و آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های زندگی آماده کنند.

بحث و مناقشه

بر اساس تحلیل محتوای انجام شده بر روی قصه‌های پریان عامه، نتایج نشان می‌دهد که بیشتر داستان‌ها به وضوح تأثیر اصول لذت و واقعیت را در رشد شخصیت و ساختار روایی نشان می‌دهند. در بسیاری از قصه‌ها، نمادها و عناصر موجود، امیال اولیه و ثانویه‌ی شخصیت‌ها را مطابق با نظریه‌ی اصول لذت و واقعیت فروید منعکس می‌کنند.

برای مثال، در قصه‌ی کل‌بچه، شخصیت اصلی با چالش‌های قابل توجهی روبه‌رو می‌شود که نمایانگر مبارزه برای متعادل کردن امیال شخصی (جستجوی لذت) با خواسته‌های اجتماعی (پایبندی به اصل واقعیت) است. این امر نشان می‌دهد که فرهنگ عامه‌ی مردم افغانستان، به‌طور غیرمستقیم، مفاهیم روانکاوانه را به‌طور نمادین-البته نه سیستماتیک، بلکه بیشتر ناخودآگاه- از طریق قصه‌های فولکلور خود منتقل می‌کند.

تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که قصه‌ها اغلب از تصاویر نمادین استفاده می‌کنند؛ این نمادها درک‌های روانکاوانه مانند دفاع‌های غیرخوشونت‌آمیز (در قصه کل‌بچه) و مکانیسم‌های روانی را در بر می‌گیرند. این یافته‌ها تأیید می‌کنند که فولکلور مردم افغانستان نه تنها سرگرم‌کننده است، بلکه حامل پیام‌های روانی و فرهنگی است که نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فردی و جمعی ایفا می‌کند.

از ویژگی‌های اخلاقی انسان می‌تواند ایثار، امانتداری، صداقت، تعهد و سخت‌کوشی باشد. در مقابل، ویژگی‌های منفی می‌تواند شامل خودخواهی، خیانت، بی‌وفایی، تنبلی و طمع باشد. همان‌طور که در داستان‌ها تحلیل شد، دیده شد که تمام این ویژگی‌ها در شخصیت‌ها از طریق دو اصل واقعیت و لذت منعکس شده‌اند.

در مقایسه با یافته‌های دیگر محققان، نتایج این تحقیق از نظر محتوایی با تحلیل‌های برونو بتلهایم (۱۳۸۶) درباره‌ی نقش قصه‌های پریان در گذار روانی کودک هماهنگی دارد. همان‌گونه که بتلهایم تأکید می‌کند، قصه‌های پریان چارچوبی نمادین برای مواجهه‌ی کودک با درگیری‌های درونی فراهم می‌آورند و به او می‌آموزد که رهاسازی از اصل لذت مستلزم تلاش و پذیرش رنج است. مشابه همین نگرش در کارهای حسینی و عظیمی (۱۳۹۵) نیز دیده می‌شود که بر ظرفیت تربیتی و خلاقیت‌افزایی افسانه‌ها تأکید دارند. با این حال، تفاوت مهم تحقیق حاضر با مطالعات پیشین در این است که تحلیل

حاضر بافت فرهنگی افغانستان را مرکز توجه قرار می‌دهد و به بازتاب این اصول در قصه‌های بومی می‌پردازد؛ قصه‌هایی که در بستر اجتماعی افغانستان، جنبه‌ی آموزشی و هویتی برجسته‌تری پیدا می‌کنند.

با وجود همخوانی نتایج با نظریه‌های کلاسیک روانکاوی، بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که قصه‌های افغانستانی گاه بُعد اخلاقی و تعلیمی قوی‌تری نسبت به نمونه‌های دیگر دارند. در حالی که در فرهنگ غربی، قصه‌ها گاهی تخیل محور و استعاری‌اند، در سنت شفاهی افغانستان پیام آموزشی مستقیم‌تر و ملموس‌تری مشاهده می‌شود؛ برای مثال، شخصیت‌هایی که از مسیر آسان و لذت‌جویانه پیروی می‌کنند، بی‌درنگ با مجازات روبه‌رو می‌شوند. این امر می‌تواند ناشی از ساختار جمع‌محور و ارزش‌گرایی جامعه‌ی افغانستان باشد که در آن تربیت کودک نه فقط به صورت فردی؛ بلکه به عنوان مسئولیت فرهنگی و اجتماعی تلقی می‌شود. بنابراین، قصه‌های پریان در افغانستان نقشی دوگانه دارند؛ از یک سو سازوکار روان‌درمانی کودک را تقویت می‌کنند و از سوی دیگر، درونی‌سازی ارزش‌های فرهنگی چون صبر، سخت‌کوشی و پذیرش محدودیت‌ها را آموزش می‌دهند.

بنابراین، می‌توان گفت که تجربه‌ی تاریخی مردم افغانستان، که خالقان این قصه‌ها هستند، با به نمایش گذاشتن قهرمانی که از اصل واقعیت پیروی می‌کند و نیازهای جمعی را بر امیال شخصی ترجیح می‌دهد، بر ویژگی‌های اخلاقی خوب تأکید می‌کند، اخلاق نیکو را ترویج داده و هدف آن تربیت افراد سالم در جامعه است. برعکس، ویژگی‌های منفی در ضدقهرمان که از اصل لذت پیروی می‌کند، بازنمایی شده و به طور نمادین مخاطبان کودک را تشویق می‌کند که از قهرمان تقلید کنند نه از ضدقهرمان.

بنابراین، والدین و مربیان کودکان می‌توانند از قصه‌های پریان مشابه این‌ها برای تعلیم و تربیت کودکان در کنار ادبیات کودک استفاده کنند.

نتیجه‌گیری

این مطالعه تحلیل جامعی از اصول لذت و واقعیت در قصه‌های پریان مردم افغانستان و تأثیرات آن‌ها بر رشد شخصیت کودکان ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این قصه‌ها به عنوان ابزارهای آموزشی ارزشمندی عمل می‌کنند و به کودکان در پیمودن پیچیدگی‌های زندگی کمک کرده و ارزش‌هایی مانند ایثار، سخت‌کوشی و پابندی به واقعیت را بر لذت‌های زودگذر ترویج می‌دهند. شخصیت‌هایی که اصل لذت را تجسم می‌بخشند، اغلب با پیامدهای منفی روبه‌رو می‌شوند، در حالی که آن‌هایی که از

اصل واقعیت پیروی می‌کند، به پاداش‌های پایدار دست می‌یابند و درس‌های اخلاقی ضروری را تقویت می‌کنند.

توصیه می‌شود که والدین، مربیان و سیاست‌گذاران، قصه‌های عامه را در آموزش رسمی یا غیررسمی کودکان ادغام کنند تا رشد اخلاقی و هویت فرهنگی را تقویت کرده و ابزارهایی برای کودکان جهت مواجهه با چالش‌های دنیای واقعی فراهم آورند. در نهایت، این تحقیق زمینه را برای کاوش بیشتر در ادبیات عامه و روان‌شناسی کودک فراهم می‌کند و بر نیاز به مشارکت‌های فرهنگی خاص که پیچیدگی‌های قصه‌های پریان افغانستان را منعکس می‌کنند، تأکید می‌کند.

تحقیقات روان‌شناختی بیشتری می‌تواند در حوزه‌ی ادبیات عامه‌ی مردم افغانستان، به‌ویژه قصه‌های پریان، انجام شود تا مزایای این گنجینه‌ی فرهنگی برای کودکان نشان داده شود. این تحقیقات می‌تواند به مسائلی مانند، خوش‌بینی در برابر بدبینی، نیاز کودکان به جادو و سحر، فرافکنی، عقده‌ی ادیب، قصه‌گویی کودکان و یادگیری زبان، و اجتماعی شدن کودکان از طریق قصه‌های پریان بپردازد.

سپاسگزاری

از پوهنتون بامیان، به‌ویژه کتابخانه‌ی آن، برای فراهم آوردن منابع اولیه و کتاب‌های معتبر در زمینه‌ی این تحقیق سپاسگزارم. همچنین از کارکنان و مسئولان مجله‌ی علوم اجتماعی پوهنتون کابل که به‌طور مداوم به سؤالات من پاسخ داده و نظریه‌های اصلاحی در مورد این مقاله ارائه دادند، صمیمانه قدردانی می‌کنم.

منابع

- بتلهایم، ب. (۱۳۸۶). *افسون/افسانه‌ها*، ترجمه‌ی اختر شریعت‌زاده، چاپ دوم، تهران، انتشارات هرمس.
- برگر، ک. (۱۳۹۶). روان‌شناسی رشد کودکان و نوجوانان، ترجمه و تلخیص اسماعیل سعدی‌پور. تهران، انتشارات دوران.
- توماس، ر. (۱۳۹۷). *نگاهی تطبیقی به نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد*، ترجمه‌ی مسعود حسینی‌چاری و محمد آقا دلاورپور. تهران، انتشارات رشد.
- حسینی، م. و شکیبی ممتاز، ن. (۱۳۹۶). روان‌شناسی اسطوره و داستان: رویکرد نوین در نقد ادبی. *مجله‌ی متن‌پژوهی ادبی*، ۱۹ (۶۴)، ۷-۲۹. [لینک](#)
- حسینی، م. و عظیمی، م. (۱۳۹۵). تحلیل قصه‌های پریان ایرانی براساس آرای بتلهایم. *فصل‌نامه‌ی فرهنگ و ادبیات عامه*، ۴ (۹)، ۱۰۴-۱۲۴. [لینک](#)
- حیدری، ع. (۱۳۹۲). تحلیل قصه‌ی لکی بر مبنای روان‌شناسی یونگ. *مجله‌ی علمی-پژوهشی مطالعات ادبیات کودک*، ۴ (۱)، ۶۸-۴۹. [لینک](#)
- خاوری، م. (۱۳۹۵). *پشت کوه قاف*. کابل، انتشارات تاک.
- _____. (۱۳۹۵). *قصه‌های هزاره‌های افغانستان*. کابل، انتشارات تاک.
- رجبی‌همدانی، م. بیگ‌زاده، خ. ناجی، س. و اسفندیاری، س. (۱۳۹۶). افسانه‌های ایرانی پریان ابزاری برای فکر پروری کودکان: رهیافت آموزشی بر اساس نظریه‌ی لیپمن. *پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، دو فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی، ۸ (۲)، ۵۹-۸۶. [لینک](#)
- شوشتی، ا. صفایی‌مقدم، م. و مرعشی، م. (۱۳۹۲). مطالعه‌ی آرای تربیتی ژان پیاژه و متیو لیپمن با تأکید بر برنامه‌ی آموزش فلسفه برای کودکان. *پژوهش‌نامه‌ی مبانی تعلیم و تربیت*، ۳ (۱)، ۵-۲۶.
- <https://doi.org/10.22067/fe.v3i1.17455>
- علی‌زاده، گ. کردنوقایی، ر. و نظری، ن. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش خوش‌بینی به روش قصه‌گویی بر افزایش میزان خوش‌بینی دانش‌آموزان. *مجله‌ی روان‌شناسی بالینی*، ۶ (۲۱)، ۱۰۳-۱۱۲. [لینک](#)
- عندلیب، س. (۱۳۷۳). کودک و افسانه‌های پریان. *مجله‌ی پیام کتابخانه*، ۱۴ (۱۵)، ۶۳-۷۶.
- محمدی، م. (۱۳۹۷). بود نبود بودگار بود. تهران، نشر آمو.
- محمودی، ع. (۱۴۰۳). بررسی تأثیرات روان‌شناختی قصه‌ی پریان کل‌بچه بر کودکان بر اساس نظریه‌ی بتلهایم. *مجله‌ی علمی-تحقیقی پوهنتون بامیان*، ۱۰ (۱)، ۳۳-۵۱.
- _____. (۱۳۹۸). ساختار، عناصر اسطوره‌ای و تحلیل محتوایی پنج افسانه از افسانه‌های هزاره‌ها، پایان‌نامه‌ی ماستری، پوهنتون یزد، ایران.
- میرحیدری، م. (۱۳۹۶). افسانه‌های ایرانی و تأثیر روان‌درمانی آن بر کودکان (مطالعه‌ی موردی: چهل افسانه‌ی مشهور ایرانی)، *مطالعات ایران‌شناسی*، ۳ (۵)، ۱۰۵-۱۲۷. [لینک](#)
- نجات، س. رازقی، ث. و آشوری، ه. (۱۳۹۹). بررسی اهمیت پرورش تفکر انتقادی در کودکان با تکیه بر داستان‌های مثنوی مولوی: رهیافتی آموزشی براساس نظریه‌ی لیپمن. *دوفصل‌نامه‌ی علمی تفکر و کودک*، ۱۱ (۱)، ۲۵۱-۲۸۱.
- [لینک](#)

نیک منش، ز. و کاظمی، ی. (۱۳۸۷). تأثیر الگوی آموزش خوش بینی به روش قصه گویی بر سبک اسناد کودکان. فصل -

نامه‌ی علمی-پژوهشی پژوهش در سلامت روان شناختی، ۲(۳)، ۵-۱۳. [لینک](#)

واحدی، ت. (۱۳۸۹). گل قاقا. کابل، انتشارات تاک.

وارسته فر، ا. (۱۳۸۷). آیا کودکان مخاطب افسانه‌های شاه پریان هستند. پژوهش‌نامه‌ی ادب حماسی، ۷، ۴۱-۴۷. [لینک](#)

یاسمی فر، م. و خسروی شکیب، م. (۱۴۰۰). کارکردشناسی قصه‌های زنجیروار در رشد فکری کودکان با تأکید بر نظریات

برونو بتلهایم: تحلیل موردی قصه‌ی پیرزن. دوماه‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه، ۹(۴۱)، ۱۸۳-۲۱۸. [لینک](#)

یوسفی لویه، م. متین، آ. و لویه، م. (۱۳۸۷). قصه‌درمانی و اختلال‌های روان شناختی کودکان. مجله‌ی تعلیم و تربیت

استثنایی، ۸۴(۸۵)، ۱۲-۲۸. [لینک](#)

Freud, S. (1984). *Beyond the pleasure principle*. In *On metapsychology*. Penguin Books.

<https://doi.org/10.4324/9780429477799>

Wang, Z. (2023). An interpretation of Freud's pleasure principle and reality principle in Oscar Wilde's *The Picture of Dorian Gray*. *International Journal of Language and Education Research*, 5(3). <https://doi.org/10.29329/ijler.2023.594.3>

Mahmoodi, AT. (2022). Animism in Sohrab Sepehri's poems. *Sprin Journal of Arts, Humanities and Social Sciences*, 1(10), 18–37.

<https://doi.org/10.55559/sjahss.v1i10.60>